

بالا حصار کابل

رویدادهای تاریخی

ورود شاه جهان به کابل : شاه جهان روز ۲۲ ربیع الثانی بکابل واصل شد و پادشاه نامه درین باب چنین میگوید :

نزول شاه در دولتخانه : « بیست و دوم ربیع الثانی (۱۰۵۶) علامی ، در اجه جسونت سنگه و چندی دیگر که ،

منزل علیمردان خان : « بیشتر بکابل آمده بودند و جمعی از ، منصبداران تعینات انجا پند یره شده سعادت ،

عمارات دولتخانه : « اندوز ملازمت گشتند . درین روز میمنت ، افروز پادشاه دین و دنیا در دولتخانه که ،

بالا حصار : « سال دوازدهم جلوس اقدس هنگامی که کابل بفرورغ ماهیچه رایات نصرت ، سمات منور بود امر جهان مطاع به بنای ان دراورته باغ و باغ مهتاب بصدور ، پیوسته وازان باز تاحال کار گذاران ان صوبه در انجام ان میگویند ، نزول اجلال فرمودند .

قراریکه در ذیل واقعات عصر جهانگیر تحت عنوان : (جهانگیر در بالا حصار تماشای عمارات - نبودن جای قابل نشیمن - امر ویرانی عمارات دیوانخانه پادشاهانه) نوشته حینی که جهانگیر در ۱۰۱۶ از بالا حصار دیدن کرد جای قابل نشیمن پادشاهانه در انجا برای خود نیافت و چون دیوانخانه قدیم کهنه و فرسوده شد ، بود امر به ویرانی ان و به تعمیر دیوانخانه جدید داد .

چون جهانگیر ۱۹ سال بعد بار دیگر در سال ۱۰۳۵ بکابل آمد و باز در باغ شهر آرا رهائش نمود چنین استنباط میشود که تعمیر دیوانخانه جدید و هنوز صورت عمل بحدود نگرفته بود .

قبل برین دیدیم که شاه جهان حینی که بتاریخ ۲۵ محرم ۱۰۴۹ بار اول بکابل وارد شد در باغ آهوخانه فرود آمد و علت فرود آمدن او در اینجا این بود که منزل سعید خان صوبه دار کابل که بهترین منازل کابل بود هنوز تمام نشده بود . شاه جهان در همین منزل امر ساختن چهره که دولتخانه خاص و عام را داد .

قرار بیکه از بعضی ماخذ معلوم میشود شاه جهان در ۱۰۴۹ در سال دوم جلوس خود
حین ورود بار اول بکابل امر تعمیر دولت خانه را در اور ته باغ و باغ مهتاب داده
بود که هر دو در بالا حصار وقوع داشت بهر حال به شهادت متن فوق الذکر گفته
میتوانیم که برای تعمیر او امر شاه مبنی بر تعمیر دولتخانه های عام و خاص (کار
گذاران صوبه) در طی هفت سال در انجام آن کوشیدند و شاه مغلی در سفر دوم
خود بکابل ۲۲ ربیع الثانی ۱۰۵۶ سر راست به دولتخانه مذکور فرود آمد .

ولی چون چهار روز بعد « بیست و ششم ربیع الثانی به منزل علی مردان خان امیر
لا مر اشریف بردند که تا اتمام همگی لغانی دولت خانه والادرا نجا بگذرانند)
واضح میشود که دولتخانه بالا حصار هنوز بکلی تمام نشده بود و محمد صالح کنیولاوری
واضح می نویسد که: « بیست و دوم ربیع الثانی دولت خانه کابل از نزول اقدس پایه
کرسی هشتمین یافته و کش پیرایه نگار خانه چین بل سر مایه آرایش بهشت
برین شد. چون هنوز عمارات انجا بانجام نرسیده بود دارو فگی عمارات به غازی
بیک مقرر نموده بیست و هشتم حویلی، علی مردان خان را که نشیمنهای عالی
داشت از فرورد مسعود و کش قصور و منازل بهشت موعود ساخته تا اتمام عمارات
خاصه در همین مکان اقامت قرار دادند . »

منزل علی مردان خان صوبه دار کابل که شاه جهان در ربیع الثانی ۱۰۵۶
دران رهایش اختیار نمود قرار اکثر احتمال و یا حتما در همین گوشه کابل
واقع بود که تا حال بنام (باغ علی مردان) شهرت دارد علی مردان خان امیر الامرا
که سالها در قندهار و کشمیر و کابل صوبه داری کرده به اندازة غنی بود که
ثروت او در افکار عوام داستان های افسانوی ایجاد کرده که هنوز هم بر سر
زبانهاست و افسانه سنگ فارس او که به هر چه میزد طلا میشد از همه مهشور
است . بهر حال چنین شخص مقتدر و غنی که بلا شبه معززترین شخصیت عصر شاه
جهان بشمار میرود طبیعی باغ و خانه بزرگ و مجللی داشت که پادشاه مغلی در آن
رهایش کند .

قرار معلوم شاه جهان مدت زیادی در حویلی علی مردان خان اقامت نکرد
زیرا غرة جمادی الاول به زیارت آرامگاه جدش بابر ورقیئه سلطان دختر میرزا
هندال رفت و بعد ازین تاریخ چون منازل خاصه تکمیل شده بود بدانجا کوچ

کرد. در عمل صالح جلد دوم صفحه ۴۷۳ چنین دیده میشود: «... چون منازل عالی بنیاد خاصه صورت اتمام پند بر فته به آب و رنگ گوناگون نقش و نگار بتازگی ابرو افزای طارم چرخ کبود گردید از حویلی امیر الامرا بدانجا تشریف آورده سایر نشینهای غریب و مناظر نظارگی فریب آنرا رشک سراستان ارم فرمودند.» این منازل عالی بنیاد همان دولتخانه خاص و عام است که در سال ۱۰۴۸ هجری قمری در روزهای اول ورود شاه جهان بکابل بنامی را به داروغگی تعیین کرد و در اثر جدیت این شخص و حضور شاه در کابل در ظرف چند روز کارهای باقی مانده به اتمام رسید و بالاخره شاه جهان از حویلی امیرالامرا علیمردان خان صوبه دار کابل به منازل خاصه دولتخانه بالاحصار نقل مکان نمود.

ترتیب باغ آرامگاه بابر:

ظہیرالدین محمد بابر در آن مد فون است برای

احفاد او که هر کدام به شاهنشاهی هند رسیدند زیارتگاهی بود و بدان توجه زیاد داشتند و پادشاهان مغلی هر کدام هر دفعه که بکابل آمده اند حین ورود و حین مراجعت بدان باغ می رفتند و به مرقد جد خویش نذرهای و تحایف تقدیم میکردند و هزارها روپیه به مستحقان تقسیم می نمودند. آرامگاه بابر به تدبیر مقبره دودمان سلطنتی مغلی شد و به مرور زمان میرزا هندال پسر بابر، حکیم میرزا یسار همایون نواسه بابر، رقیه سلطان بیگم دختر هندال، نواب گوهر نسا بیگم بنت عا میگر ثانی شاه جهان و غیره در آنجا دفن گردید.

جلال الدین اکبر در سفر دوم خود بکابل در سال ۹۹۷ هجری قمری به تعمیر عمارتی در باغ آرامگاه بابر به قاسم خان مرزبان کابلستان هدایاتی میدهد. جهانگیر در سفر اول خود بکابل در سال ۱۰۱۶ هجری قمری بمرزار بابر و هندال و حکیم میرزا لوحه سنگی نصب میکند که تا حال موجود است. ضمناً ما در اندرش رقیه سلطان بیگم را با خود می برد تا بار اول آرامگاه پدرش میرزا هندال را زیارت کند.

شاه جهان در سفر اول و دوم بر مزار بابر آمده مقادیری خیرات میکند و تاریخ زیارت او در غره جمادی الاولی سال ۱۰۵۶ و دیدن باغ آرامگاه در تار پنجپه باغ و عمرانات آن اهمیت زیاد دارد زیرا در همین روز راجع به تنظیم مرتبه های باغ که فعلاً موجود است و مرمت کاری جوی ها و احداس حوض ها و ساختن محجری از سنگ مرمر به دور آرامگاه رقیه سلطان بیگم و تعمیر مسجد سنگی تصمیماتی میگیرد که از طرف کارکنان صوبه داری کابل بلاتاً خیر در عملی ساختن آن اقدام میشود. پادشاه نامه راجع به این تصمیمات مطالبی دارد که اینک عیناً متن آنرا نقل میکنیم و بعد هر قسمت آبادی باغ آرامگاه بابر را مختصراً مطالعه مینمائیم :

- ... و توجه عالم آرای عمارت آنرا به ترتیب باغ مرقد اقدس حضرت فرودس
- مکانی که طول آن بانصد گزوز مینش پانزده مرتبه است و ارتفاع مرتبه پشین
- از مرتبه نخستین سی گز میندول داشتند و چون بر ضریح منیع حضرت مغفرت
- آیات رضوان مآب خدیجه الزمانی رقیه سلطان بیگم که در مرتبه پا نزدهم
- از مراتب این مزار خلد آثار واقع شده چبوتره خردی از سنگ مرمر بحکم
- حضرت جنت مکانی ساخته بودند فرمان شد که بر دوران محجری از سنگ
- مرمر با ارتفاع سه گز نصب کنند و به موجب وصیت حضرت فرودس مکانی
- بافراختن عماراتی بران مرقد غفران مورد که در درجه چهاردهم است نپرداخته
- به بنا مختصر مسجدی از سنگ مرمر در مرتبه پائین آن امر نمودند و در سر
- آغاز سال هژدهم ایسای گذاشته آمد و اخیر سال نوزدهم بعد فتح بلخ و بدخشان
- در عرض دو سال به صرف سی هزار روپیه در غایت مطبوعیت و نهایت خوش
- طرحی و لمال لطافت و نظافت انجام پذیرفت و چون جوی ایی که از مرتبه
- دوازدهم روضه بر رشته خیابان جاری است و دوازده آبشار از آن ریزان ازین
- جهت که از سنگ و آهک نساخته بودند رس گشته از صفا افتاده بود امر
- معلی صادر گشت که از سرنو بعمارت آن برداخته و در ته هر آبشاری حوضی
- مختصر ساخته کنارهای جوی و آبشارها و جواشی حوض هارا همه از سنگ
- مرمر کابل سراسر انجام دهند و در مرتبه نهم حوضی بسازند که گز
- در یازدهم بجاشیه سنگ مرمر و در مرتبه دهم حوضی پانزدهم
- در پانزدهم و در در آمد باغ حوضی دیگر پانزدهم در پانزدهم بجاشیه سنگ مرمر و در وازدهم

در خور آن مکان مزین بقبه‌های مطلا و پیش دروازه چو کی مربع که يك ضلع،
و آن دیوار باغ باشد و سه جانب دیگر بر حجرهائی که جوی آبی از میان آن بگذرد،
و مشتمل بسازند تا محادیج و مساکین که برای خوردن طعام و گرفتن دیگر وجوه،
و میرات گرد آیند در پناه آن حجرات از آسیب برف و باران محفوظ باشند.

قراری که ملاحظه میشود درین متن مطالبی چند راجع به باغ آرامگاه بابر دیده میشود

مراتب پانزده گانه باغ قبل از زمان شاه جهان موجود بود و هنوز هم موجود است
آرامگاه رقیه سلطان بیگم در مرتبه پانزدهم، مرقد بابر و میرزا اهندال و حکیم میرزا
در مرتبه چهاردهم و مسجد سنگی در مرتبه سیزدهم دیده میشود.
در مرتبه دوازدهم در امتداد خیابان جوئی جاری بود و دوازده آبشار از آن میریخت
شاه جهان به تعمیر مجدد جوی از سنگ و آهنک امرداد و حکم نمود تا در ته
هر آبشار حوضی کوچکی از سنگ مرمر کابل بسازند. متأسفانه ازین جوی و آبشارها
و حوضچه‌ها اثری باقی نمانده. گمان میرود که در مرتبه یازدهم باغ چیزی نبوده
و امروز عمارت کافه بابر شاه دیده میشود که از آبادی عصر ضیاءالهله و الدین است.

در مرتبه های دهم و نهم به اسر شاه جهان حوض‌های بزرگی ساختند. اولی به مساحت
پانزده گز در پانزده و دومی به بزرگی یازده گز در یازده. در مرتبه دهم باغ تا همین
اواخر حوضی و فواره ئی موجود بود. و در عصر اعلی حضرت محمدنادر شاه شهید ضمن
مرمت کاری‌های دیگر آنرا به مرتبه نهم انتقال دادند حوض دیگری تا این اواخر
در مرتبه دهم باغ وجود داشت که حالا به شکل دیگری هنوز باقی است اما متأسفانه
از فواره ها و آب جاری در آن اثری دیده نمیشود. از حوضی که در در آمد باغ حکم شده
بود و دروازه مزین و قبه‌های مطلا و چوک مربع متکی به ضلع دیوار باغ و غیره اثری
باقی نمانده است.

مرقد حجر سنگی در ماحول در بالا ترین مرتبه باغ بابر که مرتبه پانزدهم

آرامگاه رقیه سلطان بیگم: باشد مرقد رقیه سلطان بیگم دختر میرزا اهندال

زوجه جهانگیر، نواسه ظهیرالدین محمد بابر وجود دارد. رقیه سلطان بیگم زوجه
جلال‌الدین اکبر روزی در سال ۱۰۱۶ هجری قمری با جهانگیر به زیارت قبر پدر خود
میرزا اهندال وجد خویش بابر به این باغ آمد و در ۱۰۴۰ جسد وی را در مرتبه بالاتر
از محل مرقد پدرش دفن کردند. به امر جهانگیر بالای این قبر چبوتره ئی از سنگ مرمر

ساخته بودند که تاء صر شاه جهان وجود داشت و پادشاه اخیر الذ کرامر کرد تا محجری
از سنگ مرمر به ارتفاع سه گز به دورا دور قبر نصب کنند امروز از چپوتره و معجر
سنگ مرمر از هیچ کدام اثری باقی نمانده .

بزرگترین خاطره عمرانی شاه جهان در باغ
مسجد سنگی:

آرامگاه بابر بنای مسجد کوچکی بود از سنگ مرمر که در مرتبه سیزدهمین
باغ آباد شده بود و چون در کتیبه آن از فتح بلخ و بدخشان و فرار نذر محمد خان
والی بلخ از بلخ به شبرغان یاد آوری شده است برخی تصور کرده اند که این مسجد
بغرض یاد بود فتح مذکور آباد شده است. ناگفته نماند که سطور اخیر مضمون متن
کتیبه مسجد هم عده ئی را به اشتباه افکنده و چنین تصور کرده اند که مسجد بعد از فتح
بلخ و بدخشان و سایر کامیابی های نظامی شاه جهان تعمیر شده است حال آنکه
اگر به قسمت اول کتیبه دقت شود واضح میشود که اصلا تعمیر مسجد به فتح بلخ
و بدخشان کوچکترین تعلق نداشته و چون بر مزار ظهیر الدین محمد بابر تعمیر امکان
پذیر نبود شاه جهان مصمم به بنای مسجد کوچکی شد در مرتبه پایان تر آرامگاه.
همه میدانیم که سرسلسله در درمان مغلیه هند بابر وصیت کرده بود تا از ساختن عمارتی
بر آرامگاه او خود داری کنند. این مطلب در متن پادشاه نامه که بالا تر دادیم تصریح
شده است و میگوید: (به موجب وصیت حضرت فردوس مکانی با فراختن عمارتی بران
مرقد غفران مورد که در درجه چهاردهم است نپرداخته به بنا. مختصر مسجدی از سنگ مرمر
در مرتبه پائین آن امر نمودند) پس علت اساسی تعمیر این مسجد این
بود که شاه جهان بر مزار جد خویش عمارتی ساخته نمیتوانست لذا به
بنای مسجد ا مر داد .

در خود کتیبه مسجد از تاریخ آغاز بنای کار تعمیر ذکر نشده و اتمام آن به :
(آخر سال نوزدهم جلوس میمنت مانوس موافق ۱۰۵۶ هجری) نسبت داده شده .
پادشاه نامه در متنی که پیشتر دیدیم میگوید: (و در سر آغاز سال هژدهم اساسی گذاشته
آمد و در اخیر سال نوزدهم بعد فتح بلخ و بدخشان در عرض دو سال به صرف سی هزار
روپیه در غایت مطبوعیت خوش طرحی و کمال لطافت و نظافت انجام پذیرفت) .
شبهه ئی نیست که کار آبادی مسجد سنگی دو سال وقت گرفته و در صورتیکه
طبق تذکر پادشاهان ما شروع کار سر آغاز سال ۱۸ جلوس باشد طبیعی در آخر سال

۱۹ جلوس خاتمه یافته است. آنچه حساب را کمی مشکل میسازد این است که اگر سرآغاز جلوس سال ۱۸ به سال قمری تطبیق شود باید کار تعمیر مسجد در جمادی الاول ۱۰۵۴ شروع شده باشد و به اخیر سال ۱۶ جلوس یعنی ربیع الثانی سال ۱۰۵۶ اتمام یافته باشد حال آنکه شاه جهان در غرة جمادی الاول سال ۱۰۵۶ طی سفر دوم خود به آرامگاه بابر رفت، این روز یادریکی از روزهای بعدتر تصمیماتی را جمع به ترتیب باغ و بنای مسجد و غیره اتخاذ نمود. گمان نمیکنم که تصمیم بنای مسجد در سفر اول او بکابل در ۱۰۴۹ گرفته شده باشد پس در حالیکه بنای مسجد سنگی در سال ۱۰۵۶ شروع شده باشد بصورت طبیعی ختم آن که دو سال وقت گرفته است در اواخر سال ۱۰۵۷ مطابق وقت میکند و چون سفر سوم شاه جهان بکابل در اوائل ۱۰۵۷ واقع شده و درست سلخ ربیع الاول سال مذکور داخل شهر گردیده و تا اواخر رجب سال مذکور در کابل بود حضور شاه در تسریع امور عمرانی مسجد کمک کرده است.

موضوع دیگری که تا اندازهئی به تفصیل در متن کتیبه مسجد و در متن پادشاه نامه گنجانیده شده مسئله فتح بلخ و بدخشان و فرار نذر محمد خان والی بلخ است. پیشتر گفتیم که مسئله تعمیر مسجد اصلاً به فتوحات مذکور که امارتباط خاصی نداشت بلکه فتح بلخ واقعه بود که در طی جریان تعمیر مسجد به وقوع پیوست و مؤثره آن بیرون ۸ و ۲ جمادی الثانی ۱۰۵۶ به شاه جهان بکابل واصل شد. صورت واقعی قضا یا چنین است که حین وصول شاه جهان بار دوم بکابل در غرة جمادی الاول سال ۱۰۵۶ سوقیات علیه نذر محمد خان شروع شده بود، متعاقباً کار تعمیر مسجد شروع شد، در جریان کار خبر فتح بلخ و بدخشان و فرار نذر محمد خان از بلخ به شبرغان به شاه جهان بکابل رسید. سپس دوره دوم اقامت شاه جهان بکابل خاتمه یافته به هند مراجعت کرد و باز کورت سوم در ۱۰۵۷ بکابل آمد. احتمال دارد که حین ورود او بار سوم بکابل مسجد تمام نشده تا بعدتر در اخیر سال مزکور تمام گردیده باشد پس به این حساب شبههئی نیست که ختم کار مسجد سنگی بعد از ختم بلخ و بدخشان عملی گردیده است در میزان پول مخارج تعمیر مسجد هم بین متن کتیبه مسجد و متن پادشاه نامه اختلاف است. کتیبه مسجد مخارج را چهل هزار روپیه و پادشاه نامه سی هزار روپیه نوشته است.

بهر حال بعد از تبصره های فوق اینک که تیبیه متن مسجد مذکور را نقل میکنم :

« این مسجد لطیف و معبد شریف که مسجد گاه قدو سیان و جلوه گاه کروبیان ،
 و بفرمان ادب در حریم محترم این گذر گاه ملاء اعلی نظر گاه عالم بالا یعنی روضه ،
 و منور پادشا ، غفران پناه رضوان دستگاه خلد آرامگاه حضرت فردوس مکانی ،
 و مظہیر الدین محمد بابر پادشاه غازی جز آن عمارتی تکران ساخت بفرموده این ،
 و نیاز مند تمام شکر سر اسر ستایش سراپا نهایش در گاه الهی ابو مظفر شهاب الدین ،
 و محمد صاحب قران ثانی شاه جهان پادشاه غازی بعد از فتح بلخ و بدخشان و فرار ،
 و تشریح محمد خان از بلخ به شبرغان و تعاقب فریقی از کار طلبان و نبرد آرائی او در ،
 و آن سرزمین با آن گروه فیروزی نشان و هزیمت او و مظفر سپاه رزمخواه در آن ،
 و میدان محض کرم کار ساز حقیقی نصب این نیاز مند و دولت خواهان این بنده ،
 و شرمزده احسان حضرت یزدان گشته آخر سال جلوس میمنت مانوس موافق ۱۰۵۶ هجری
 در عرض دو سال بچهل هزار روپیه انجام یافت . »

ناگفته نماند که عصر شاه جهان از نظر آبادی و عمران و ذوق معماری مرقی ترین دوره ایست که در طی آن قریحه معماری مغلی به اوج تعالی خود رسید . شاه جهان هم مرد دین دار و هم صاحب ذوق و عاشق آبادی بود مساجد زیادی در عصر او در هند ساخته شده که مهم ترین آن جامع مسجد دهلی ، موتی مسجد و رنگه مسجد قلعه اکره ، جامع مسجد اکره ، مسجد تاج ، مسجد فتح پور سکری ، شاه جهان مسجد اجمیر و مسجد وزیر خان در لاهور میباشد . مسجد کوچکی که شاه جهان در باغ آرامگاه بابر تعمیر نمود بسیار ساده و بسیط و مقصوره نمی باشد چون از محل اجتماع و آبادانی دور و نسبتاً کوچک بود مناری در آن تعبیه نشده بود و بام آن خلاف مساجدی که در عصر شاه جهان در هند ساخته شده است گنبد نداشت : چون این مسجد مرمت طلب شده بود چند سال قبل آن را ویران کردند تا پخته تر با همان سنگ های قدیمه تجدید شود . تعمیر مجدد آن نیم کاره است و امید است روزی به پایه ا کمال رسد و نکند که ناتمام بماند و یگانه مسجد سنگی یادگار شاه جهان در کابل از بین برود .

نقشه طرح برخی عمارات در میان پادشاهان مغلی کور دانی آنکه بیشتر

دیگر در کابل: از همه به آبادی و عمران علاقه داشت و در

آبادی ذوق بخریچ میداد شاه جهان بود که تاج محل او در اکره به عقیده عموم متخصصان فن معماری جهان از بهترین عماراتی است که ساخته شده و به اندازه دران ذوق لطیف بکار برده شده که آنرا شعر در سنگ و موسیقی در معماری خوانده اند. شاه جهان هر مرتبه می که بکابل آمده راجع به مرمت کاری برخی بناها و پی گذاری عمارات جدید و ترتیب باغ ها و اصلاح نهرها و جوی ها و غیره او امری صادر کرده است که برخی عملی شده و برخی دیگر در حال نقشه و طرح مانده و بعمل نرسیده است.

و مختصراً این مطالب را در ذیل مطالعه میکنیم:

دولتخانه دارالملک طی شرح مسافرت های اول و دوم شاه جهان

کابل: بکابل حد به حد متذکر شدیم که عندالو ورود

بکابل بار اول در منزل سعید خان بهادر و بار دوم در منزل علیمردان خان که هر کدام در موقع خود صوبه دار کابل بود فرود آمد و هر دو مرتبه مدتی در باغ آهو خانه رهل اقامت افکند. علت این بود که دولتخانه قدیم کابل در با لاحتصار حتی در زمان پدرش جهانگیر کهنه و فرسوده شده بود چنانچه به امر همین پادشاه در ۱۰۱۶ ویران و امر تجدید آن داده شد ولی چون شاه جهان در سفر اول خود در ۱۰۴۹ امر جدید راجع به تعمیر دولتخانه خاص و عام در اورتی باغ و باغ مهتاب با لاحتصار صادر میکنند واضح میشود که او امر پدرش عملی نشده بود. اصلاً وقتیکه در ۱۰۱۶ جهانگیر بکابل آمد و پسرش شاه جهان باوی بود اورتی باغ را به پسر خود اختصاص داد و عمارتی دران برای وی ساخت. این عمارت در دوره شهزادگی شاه جهان تا وقتی بجا بود که خودش پادشاه شد و بار اول بکابل آمد آنگاه امر داد تادرتی باغ معلی برای رهایش او و در باغ مهتاب که قریب اورتی باغ وقوع داشت دولتخانه خاص بسازند. در سال ۱۹ جلوس حینی که در ۱۰۵۶ بار دوم بکابل وارد شد هنوز بکلی تمام کارهای عمارات تمام نشده بود و در اثر توجه غازی بیگ داروغه عمارات در ظرف چند روز به پایه تکمیل رسید. پادشاهنامه درین مورد چند سطر دارد که اینجا نقل میکنیم:

« ... واز آنرو که در دارالملک کابل دولتخانه شایسته نزول مقدس نبود ،
 « ولهدا حضرت جنت مکانی که دومرتبه در ایام سلطنت بکابل تشریف فرمود ،
 « بودند در باغ آهوخانه میگذرانیدند در خاطر خورشید مائر برازنده اورنگ ،
 « جبهانیا نسی حضرت جنت مکانی نخستین بار که بکابل تشریف بردند باغ ،
 « اورته را باعلیحضرت عنایت فرموده بودند چنانچه خاقان زمان در آن ایام عماراتی ،
 « در باغ مذکور مرتب ساخته و التماس مقدم آن حضرت نموده پیشکی لایق ،
 « بنظر آن حضرت در آورده بودند بنابراین باغ مذکور را با باغ مهتاب که متصل ،
 « آنست برای دولتخانه برگزیده و آنرا محل معلی و این را دولتخانه خاص قرار ،
 « داده عمارات عالیله طرح افکنند . چنانچه در سال میمنت انصال نوزدهم ،
 « که دارالملک کابل مرتبه دوم بقصد کشایش بلخ و بدخشان مرکز الویه ظفر ،
 « طراز گشت منازل مذکوره با جمیع عماراتی که در سال دوازدهم ،
 « حکم شده بود بحسن اختتام رسیده بود و دولتخانه کرامت آشیا نه ،
 « بنزول فیض موصول فروغ تازه یافته پنج لک روپیه صرف جمیع عمارات ،
 « شده است دو لک و پنجا هزار روپیه بر دولتخانه مقدس و دو لک و پنجا هزار ،
 « روپیه بر عمارات شهر آرا و جهان آرا و چهار باغ و دیگر بناغات و روضه مقدس ،
 « حضرت فردوس مکانی ... » (۱)

مرمتکاری حصن بیرون کابل و قلعه ارگ بادشاه نامهمی نویسد : « ... و چون حصن بیرون
 بیرون کابل و قلعه ارگ کابل بامر حضرت جنت مکانی بگنج و آهک
 « سرانجام یافته و قلعه ارگ خام بود درین نوبت که اعلیحضرت بکابل تشریف فرمودند ،
 « فرمان شد که قلعه ارگ نیز به گنج و آهک برافرازند و از آنرو که ارگ آب ،
 « نداشت برلیغ رفت نه دیواری برکشیده با و لثی جنوبی سوی ارگ را در میان ،
 « گیرند ... » (۲)

این مختصر معلومات برای تاریخچه عمارات بالا حصار کابل خالی از دلچسپی نیست
 و از آن معلوم میشود که حصار بیرونی کابل که بالا حصار در میان آن بود در عصر
 جهانگیر شاید در طی سفر اول او در ۱۰۱۶ با گنج و آهک (سرانجام) یافته بود

(۱) در صفحه ۵۹۰ جلد دوم پادشاه نامه

(۲) صفحه ۵۹۰ و ۱۹۱ جلد دوم پادشاه نامه

از کلمه سرانجام واضح معلوم نمیشود که با کچ و اهک ساخته شد یا مرمت کاری شد راجع به قلعه ارگ واضح گفته شده که خام بود و درین نوبت یعنی در سفر دوم خود که در ۱۰۵۶ هجری قمری بعمل آمد شاه جهان امر داد تا آنرا با کچ و آهک بسازند. هکذا واضح میشود که تا اینوقت داخل قلعه ارگ بالا حصار آب نبود و با کشیدن دیواری بطرف جنوب جوئی را داخل محوطه قلعه کرده اند.

طرح های حیرت انگیز قبل برین در ذیل واقعات عصر بابر و جهانگیر شاه جهان در باغ شهر آرا شرح دادیم که باغ شهر آرا از طرف ظهیرالدین محمد بابر یا از طرف عمه وی و باغ جهان

و جهان آرا :
آرا از طرف جهانگیر طرح شده بود. موقعیت قدیمی این دو باغ البته معلوم است اولی علاوه بر ساحه باغ امروزه سفارت شوری و باغ سابق شمس الدین خان (حال شفاخانه مستورات) حصه زیاد چنداول و دومی باغ لیسه نجات و ماشینخانه را تا حد و دیوار تن در بر میگرفت و چون این مطالب در جا هایش بیشتر شرح یافته تکرار آن ضرورت ندارد. شاه جهان ضمن سایر آبادی ها در کابل به طرح نقشه های دامنه داری درین دو باغ که از بهترین باغ های کابل بود پرداخته و از پنج لک روپیه که خرج آبادی های خویش درین شهر کرده نصف آن یعنی دو لک و پنجاه هزار روپیه را وقف عمارات همین دو باغ نمود. چون مؤلف پادشاهنامه مفصل درین باب وارد شده است شرحی خوب تر از متن گفتار او نمیتوان یافت :

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« ... فرمان دادند که همگی حیطان این بیستین و تمامی نشیمنها که لختی کهنه،
« و برخی در خور این ریاض نبود از سر بسازند. و باغ شهر آرا خاصه گردانیده،
« باغ جهان آرا بنواب ملکه دو ران بیگم صاحب عنایت نمودند - درین هر دو،
« باغ دلکشای فردوس نما چنارها نظر فریب بینندگان است - علی الخصوص،
« شهر آرا که در آن چنار بسیاری نشاندۀ حضرت فردوس مکانی است همه در،
« نهایت زیبائی و خوشنمائی و تنومندی بکمال رسیده. درین دو حد یقه انیقه،
« در هر مکانی که قابل عمارت بود نشیمن دلنشین طرح نموده جمعی که در فن،
« عمارت آگهی داشتند با هتمام آن برگماشتند. در باغ شهر آرا سه جا عمارت،
« حکم شد، یکی در وسط باغ مربع نشیمنی کشاده اطراف که اهل هند وستان،

« آنرا چو کهنندی گویند تمام از سنگ مرمر تومانی میدان مشتمل بر شانزده ستون »
 « چهار درمیان و دوازده بر چار طرف آن تا هر گاه آن منزل بهشت آئین به »
 « ورود ممینت امود فروغ تازه گیرد از چارسو چار جو که در وسط چار خیابان »
 « باغ جریبان دارد با آبشار ها و فوارها در نظر خورشید اثر باشد. دوم در طرف »
 « جنوب باغ عمارتی رو بشمال بردامن کوهی که از زمین وسط باغ هشت زراع »
 « ارتفاع دارد بنهچی که از جوی آبی که بر آن بلندی جاریست آبشاری درون »
 « ایوان عمارات می ریخته باشد . (۱) و در ته آبشار حوضی از سنگ مرمر »
 « و در میان دیوار پس آبشار محرابی طا قچها از سنگ مرمر تاروزانه در آن »
 « کوزه های زرین مملوبه انواع ریاحین بطرح بچینند. و شب هنگام شمعدانهای »
 « طلا با شمع کافوری بگذارند و در ته آن نیز حوضی که حاشیه آن از سنگ »
 « مرمر باشد بسازند که از ایوان آبشاری دیگر در آن بریزد و مقرر ساختند »
 « که از آنجا تا نشیمن میان باغ سه آبشار دیگر بروی کار آید که همگی پنج »
 « آبشار باشد و میان آنها و خیابانها و نهر دور نشیمن وسط باغ صد فواره تعبیه »
 « نمایند . سیوم میان باغ شهر آرا و جهان آرا عمارتی در کمال زینت که يك »
 « ایوان روبه آن باغ داشته باشد و دیگری دو باین از سنگ مرمر، جوئی میان »
 « آن جاری - و در باغ جهان آرا بر کنار نهری که از مغرب رومی آید و شمال »
 « رومی رود چنانچه ذکر یافت عمارتی مشتمل بر يك ایوان روبه در آمد »
 « آب دو حجره طرح انداختند که آبشاری بعرض سی و هفت گز مساوی بعرض نهر »
 « در برابر داشته باشد و شمال روئی آن نیز عمارتی بطرز عمارت شمال شهر آرا »
 « حکم شد ... (۲) همین قسم بسکشیدن نهر مسقف در چار باغ و یاره ابادی های »
 « دیگر در آن باغ احکام صادر نمود .

(۱) چنین معلوم میشود که باغ شهر آرا بطرف جنوب تا دامنه کوه شهر دروازه
 انبساط داشت و چندول را در بر گرفته بود این عمارت دوم در دامنه همین کوه رو بطرف
 شمال بوده و جوئی که بر بلندی جاری بود غیر از همان بالا جوی که از یادگار های
 الف بیک عم با بر است چیز دیگر بوده نمیتواند .
 (۲) از صفحه ۵۸۷ جلد دوم یاد شاهنامه